

منصور یوان

با آغاز تمدن شهری، سه دوره سلطنتی به قدمت یک هزاره حدودا از ۲۰۰۰-۳۰۰۰ پیش از میلاد، یکی پس از دیگری در نیمه جنوبی بین النهرین ظهور یافتند. اینک وقایع این سه دوره را قدری عمیق تر بررسی می کنیم.

در پایانه هزاره چهارم، شهر یووک شاید بزرگترین شهر در سراسر بین النهرین محسوب می شد. بستان شلسان در همین شهر به کنشفت بسیاری از جمله به اولین لوحه های مبطوطه دست یازیدند. میرزا پانیس ها در آن روزگار پیشا تاریخی بر لوحه های گلی ورود و خروج محصولات کشاورزی از انبار خانه ها و نیز سهمیه بندی ازراق؛ چون ایجو و غله را مرقوم می کردند.

آن روزگار، شهر یووک دارای معابد با شکوهی بود که به آن وحلی آسمان و بدست خورشید اینست از برای شده بود. امروز از شهر باستانی یووک و از زیگورات آن جز ویرانه و تلی از خاک چیزی باقی نمانده است. تصویری از این ویرانه بر جای مانده در عکس ملاحظه می فرمائید.

در روزگار باستان، شهر یووک را جلال و شوکتی خاص در کار بود. به خصوص وقتی گیل گمش پادشاه آن شهر شد ماجراهای گیل گمش موضوع برخی از کهن ترین داستان های این شهر شده است.

گیل گمش پادشاه شهر باستانی یووک در سومر بود. دوره پادشاهی او در حدود ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد رقم زده می شود. به منظور مقایسه مفید است که خاطر نشان شود در تمدن باستانی مصر، در همین زمان، اولین شهر توسط فرعون بنام DJOSER ساخته می شود.

فراغت مصر خود را در پیوند با اراده خدایان در آسمان بار می شمرند. این در نقطه نظر اعتقادی، فراغت مصر از ابتدای تعلق می باشد که رسالت الهی از زمین خارج بود؛ از ایجاد نقطه، تأمین روز و امنیت زمین زمین عزیز حفظ یافتن ارتباط با خدایان گاران آسمیها در بین النهرین، سامر شهر خدای گمش پادشاه در عهد پادشاه زندگی می کرد شاه هر شهر موظف بود تا در خدمت خدای شهر، رسیدگی به معبد و خراست از شهر را به عهد میگرد.

باری در اساطیر باستانی، از گیل گمش به عنوان خدشاهی یاد می شود که دو سوم او خدایانگی و یک سوم آن آمیزدگی می بوده است. اندیشه خدشاهی از طریق بین النهرین در نجد ایران زمین دلم گستر می شود. بسیاری از اساطیر کهن ایرانی؛ چون داستان خدشاهی شاه و باکیخسرو، بر این نمط سرشته شده اند. جمعیها ظهور آیین در سیمنا نقطه پایانی بر اندیشه خدشاهی و گوناگونی آیین زبان گناشت.

باری، خرد ماجراهای گیل گمش؛ برای اولین بار، در حدود ۴۰۰۰ سال پیش نوشته شد. این داستان در صورت گوناگون در افغانستان ها و اشعار ملال گوناگون منطقه به خصوص در هردم بلخیان و اشتریان، بازتاب شده بود. در قرن هفتم پیش از میلاد، آشوریان قصه های گوناگون از گیل گمش را چون یک داستان حماسی گرد آورند و آن را بر روی لوحه های گلی مکتوب کردند.

خداوند گیل گمش بدین نحو تحریر شد و در یک کتابخانه بزرگ پادشاه آشور بنام آشور نیاطیل محفوظ نگاهداشته شد. بدین نوشته های خشتی حدود صد سال گذشته توسط پادشاهان شیمان در کند و کوی های شمال عراق کشف گردید.

گیل گمش ابتدا پادشاه نیکو صفتی نبود. لکن بنا بر شکیوه ای آسمانی، خدایان آسمانی و جیشی و پوشیده و مون با یکدیگر را فریادند تا او دست یزد علی رغم انتظار همنه پادشاه از مشیهدت رفتار این تازه وارد گوئی به خوبیت می آید و تغییر رویه می دهد. آن دوره یکدیگر خمشیت بیاد می کنند و با هم بار سفر می برند و بندند و راهی سفری دور و دراز به گرد جهان می شوند برای این که شلههت خویش را بیازمایند. گیل گمش و آنکیسوم میچمی گردند که کشتن غولی اقلند کنند که در فرار در دور دست هار جنگل سمر، زندگی می کرد این غول که او را HUMBABA می نامیدند در جلگی که امروز کشور لبنان است، در قالب جنگل منسکن شدست.

صدای این غول چون رعد میپید بود و باز دم و همواره شلهه های آتش از دهانش سر می کشیدند و قلاب بود که ضعیف ترین صیلاها را از فرسنگ ها دور می شیدند. گیل گمش و آنکیسوم پس از مشقات بسیار، بالاخره می این غول موجهی می شوند. ایلند هر دو از چهره کرپه و نیز از ریختند غول و حیثیت زنی می شوند و لای آن پناه به فوریت به خود می آیند و مرقوم می شوند که سزایان غول را با یک ضربه با بدنش جنا کنند. از شما چه پنهان، که ایشنا همان خلیفولی عشق و جنگنگل در کور گیل گمش سترده بود و خیال از دوام

منصور یوان

از ۳۳۰۰ قبل از میلاد، به مدت ۱۵۰ ساله دولت-شهرهای سومری و کلماتی توسط سارگون و جانشینان او فتور و زیرین فرمانمی واحد کشیده شدند. بدین نحو اولین قدرت امپراطوری در جهان پیشا تاریخ شکل گرفت. سارگون مرزهای امپراطوری خود را به طرف شمال تا سوریه مرز را یک طرف و تا آناتولی در ترکیه امروز از طرف دیگر گسترانید. از جانب شرق تا شوش و از جانب جنوب تا خلیج فارس با این امپراطوری فراگسترانید شد.

سارگون دختر خود را (بنام ENHEDUANNA) به عنوان عالی ترین مقام دینی در شهر اور؛ یعنی اولین کشیش زن در معبد مخصوص خدای ماههانا، منصوب کرد. سروده های این زن در ۲۲۵۰ ق م اولین نوشتاری است که از یک نویسنده زن باقی مانده است. باید منظور داشته که کنترل معابد توسط حکومت متمرکز و فراتر از سارگون در آن دوران، واجد اهمیت بی نظیری که مهمی بود سارگون همچنین سیستمی واحد سراسری در مورد

وزن و اندازه گیری های کمی و مقیاسی را پادشاهت. پس از سارگون، نارام سین نهم سارگون بر اعتبار سارگونی پاریز کرد و فرود مرزهای حکومت کلانی را تاشرف تر که گسترش داد. نارام سین اولین پادشاهی است که به تبعیت از فرات مصر، خود را خدای زمین پرخواند و او کلاه و تاج شاخ در سر می گذاشت و خود را از آدمیان برتری می شمرد. در تصویر ضمیمه نارام سین، بزمن کشنده کاری و در حالی که به سوی ستاره و پیریزی باالی روزه دیده می شود. او سوزن را دشمن را کشتن کوب قدرت خویش می سازد تا به سوی جایگاه پیروزی، که در وروار او در شیروزی می توانه بی پرورش رود.

نارام سین با سرش و طغیان های عدیده ما چهار گوشه امپراطوری، همه را به جسدش گسیخت. در کاز این درها پیروز میگردید.

پس از نارام سین، جانشین او به مدت یک ربع قرن، امپراطوری را از گردن تزلزل معصوم نگاه داشت. ستمی و اضطور که گفته شد، در ۲۲۰۰ ق م اقام ایلاتی پی زندگی بهتر از نه های زاگروس به سرزمین های بین النهرین سرزیر شد. بدین اقام که از آنجا به نام Gutians نامیده می شود. در اطراف و اکناف مناطق آبادین النهرین داخل گریزند و به تدریج در زندگی نوایی مختلفه خود سادگی را در پی آمده آنها حتی موافق خفته انداره برخی شهرها را به دست گردن امپراطوری کلماتی احتیلا

به این خاطر فرو پاشید که اقوام ایلاتی از جانب شرق های زاگروس به دست انانزی و تعرض پیروا شدند. حکم ایلاتی در شمال بین النهرین نیز بیجا قدرت خود را داشتند که در کوردنر حال که در جنوب دولت خدایان که توسط پادشاهان بومی اداره می شدند، به مدت یک قرن به حیات خود ادامه دادند. فراتر از یووک یک موفق می شود که جنوب زاگروس در تجاوز کالانی باستانی کند. پس از مرگ این فراتر و نام UTU-HEGAL، او نارامو در شهر باستانی اور زمام امور را به دست می گیرد. به تدریج قدرت در جنوب فرو پاشید که همانا مرز آن شهرها بود. بدین اقام سقوط امپراطوری کلماتی همزمان می شود این راستا، عهد سلطنت سوم توسط نارامو در ۲۱۱۲ ق م بنا نهادند. در دوره حکومت پسرش نام شولگی با توجه اختلال خود رسید. از عهد سلطنت سومر پادشاهی اداری بشماره ای مراکز بستان شناسی در جنوب عراق کشف گردیده است. پیش از ۲۵۰۰ ق م لوحه تا به حال بطور رسمی چاپخش شده اند و بسیاری دیگر به دست موزه داران خصوصی و به عتیقه فروشان افتاده است. این لوحه های عموالاداری، از حجم بزرگ اداره امور در عهد سلطنت سومر جنوب خیر می دهند.

شولگی قدرت خود را با برقراری حکومت های خردمختار و دست نشانده در شرق زاگروس تقویت بخشید. همه یک سیستم مالیاتی و اداری نوآیندی در عهد حکومت خود دادر کرد. شولگی سه قرن پیش از عهد حوریایی کسی است که سند قانون گزاری او به باز کار مانده است.

شاهان عهد سلطنت سوم، از منابع مالی خویش، مبلغ هنگفتی را صرف ساختن معابد و ساختمان های سلطنتی می کردند. عهد سلطنت سوم در پی نفوذ یهودایی داشت که از شهر نینوا در شمال تا کرانه های خلیج فارس در جنوب رادرمی گرفت.

قصدی را فرود و دوباره یکپارگی می آورد. در زمان قوت ایلاتی را در میان و کتشی از این اتفاق افتاد. در این باره در اواخر عهد سلطنت سوم اقوام ایلاتی جدیدی بنام آمورتی از میان و قلمرو قلمرو پیشا تاریخ می آید. آمورتی با تجارت و بازرگانی به ندرت برمی نیاید و با شهرهای مجاور و روابط مسالمت آمیز مندرت برقراری کردند. این اقوام کوچ نشین در پی جانده های تمدنی بین النهرین، در بیرون از محدوده فرهنگی شرقی هاسکتی گردیدند.

به منظور خراست از محدوده شهرها، تیراندازی اغمز جنگ با یکدیگر از این قوتها کار کرد. کالیفادو مجموعه معننی از دستبرد کوچک کالانی در ایلاتی در میان مانده. آمورتی با دست انداز و زبانده شهرها مواجبات اختلال، کشاکش و سرانجام سقوط سدنگاه اداری و سیستم حکومتی را ایجاد کردند.

در این زمان هر کدی مکاتباتی به دست آمده خبر از آن می دهد که فراتر از پایتخت خوستا در سال فوری غلبه پایتخت میبود. در جواب پاسخ می آید که قایقی برای حمل معنوله موجود نیست؛ چرا که آمورتی با شری



ISIN و حومه آن همه حمله کرده اند و همه قلاع را تسخیر نموده اند. در نتیجه قحطی و کمبود، قیمت ازراق چندین برابر افزایش می یابد و احساس ناامنی دامن می شود. بررسی لوحه های مربوط به ثبت هدایا و موقوفات، که از معبد ناتار در شهر اور به دست آمده است، حکایت از آن می کند که دوران اقتدار سلطنت سوم به اوج می رود.

مصیبت اقوام ایلاتی پدیده ای نیست که منحصر به ادوار پیشا تاریخ باشد. ورودی روه اقوام ایلاتی به فلات ایران و دست یازیدن آنها به قدرت سیاسی از طریق نظامیگری، در زمره عوامل مؤثر در عقب ماندگی ایران از قافله تمدن جدید محسوب می شوند.

شاهان سامانی که در خراسان بزرگ (تاجیکستان، افغانستان و قزستان تا زبکستان ترکمنستان) حکمرانی می کردند به گسترش اسلام در میان ترکان ماوراء سیحون و بیابان های اطراف در پیچه آل اار همگت گماردند. همین اقدام سامانیان منجر به الحاق ترککان کوچنده به مجموعه پهنای خرافت اسلامی شد.

با اسلام آوردن قبایل ترک در ماورالنهر و تحت فرمان مرکز خلافت بغداد قرار گرفتن، مهاجرت قبایل ترک به درون سرزمین های اسلامی امری ممکن و پذیرفتنی گردید. بنابر منابع حکومتداری اسلامی، مرزهای شوری بین ممالک اسلامی، امری تصنعی شمرده می شود. چرا که مسلمانان حتی باشنده که با گردن نهادن به مرکز خلافت عباسیان، به هر نقطه از ممالک اسلامی نقل و انتقال یابند. بدین طریق، مرزهای که تا پیش از ظهور اسلام وجود می یافتند، از بین رفتند و همه سرزمین های موسوم به ترکستان در ماوراءالنهر جدید جامعی کرده منتقد شدند.

لکن گسترش اسلام در میان ترکان ماورالنهر موجب گردید که از عهد سامانیان به بعد، مرزها عملا از میان برداشته شوند. قبایل ترک که از فرهنگ و تمدن کوچنده متفاوتی برخوردار بودند، اینکه به زمین مسلمانان راجتی می توانستند، به هر کجای سرزمین های خلافت عباسی مهاجرت کنند.

قبایل ایلاتی با اسلام آوردن، اذن دخول به فلات ایران می یافتند و شاه سامانی به آنها زمین برای چراگاه و اگلار می کرد.

همین کشاده دست، طی ادوار انسجام فرهنگی و استحکام جمعیتی و اقتصادی ایران زمین را تصعیف کرد. زوال فرهنگی و سیاسی ایرانیان بدین نحو تس از یورش اعراب، به مثابه بلای آدم ظاهر شد.

ورود ترکان مهاجر به اشر و در خدمت سپاهیگری قرار گرفتن آنها از عهد سامانیان رواج یافت. در نیمه دوم قرن چهارم مهاجرت سامانیان عمدا تا غلامان ترک، که در خرید شده بودند، تشکیل گردید و درود به عرصه نظامیگری به تدریج منجر به بدیباری امراء ترک در ارتش شد. غلامان درده های پائین نسبت به فرماندهان ترک خود در بالا وفادار بودند. بدین نحو، حکومت سامانیان در اواخر به مرکز متعده نیمه خودمختاری تبدیل شده بود که هر پاره آن به دست یک فرمانده نظامی ترک اداره می شد.

بر آمدن غزوانان با اقدام سیاسی یکی از همین امراء ارتش ناشی می شود که طومار سامانیان و حکومت آنان را در پیچید. آزادی مهاجرت قبایل ترک به صفحات جنوبی آسیای میانه و روند روه به اکتشاف ورود آنان به فلات ایران زمین از یک طرف و قابلیت آنها در امور نظامیگری و راهبانی به ارتش از طرف دیگر، راه قدرت گیری ترککان و استیلای آنان را در ایران برای قران های متعددی باز گشود. تاخیری حکومت ترککان در عصر خوارزمشاه وزیر فشار اقتصادی قرار داده قبایل مغول، که دارای روابط دوستانه و مستعد باوای مجاور خود بود، منجر به وقوع بلایه سوم یعنی مغولان به ایران زمین شد. با سقوط سلطنت سامانیان، ایران زمین نیز در سلطه حکومت های مغول و سپس ترک قرار گرفت. به حیات دیگر؛ پس از ساسان در مدت ۶۰۰ سال قدرت سیاسی در ایران زمین در قبضه قدرت اقوام ایلاتی ترککان و مغولان، قرار گرفت.

(للمه دارد)